

فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره شصت و ششم، پاییز ۱۴۰۱: ۷۷-۱۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل سیر تحول انسان‌گرایی مدرن شخصیت‌های زن در رمان فارسی

پریوش میرزاییان*

جهانگیر صفری**

نرگس باقری***

چکیده

مدرنیته و انسان‌گرایی مدرن، نقش بسیار مهمی در تحولات ذهنی زن ایرانی داشته است. یکی از منابعی که تغییرات و تحولات ناشی از مدرنیته و انسان‌گرایی مدرن را بازنمایی کرده، رمان فارسی است. این مقاله درصدد است تا با بررسی رمان‌های منتخب فارسی در سه بازه زمانی - از سال ۱۳۰۰ ه.ش تا ۱۳۲۰ ه.ش، از ۱۳۲۰ ه.ش تا ۱۳۴۵ ه.ش و از ۱۳۴۵ ه.ش تا ۱۳۵۷ ه.ش - با تکیه بر نظریه‌های «آنتونی گیدنز»، تأثیرات انسان‌گرایی مدرن بر زنان را که در رمان فارسی تصویر شده است، بررسی کند. بررسی انجام‌شده بیانگر آن است که آنچه نویسندگان به تصویر می‌کشند، نشان می‌دهد که در دوره اول تحول ناشی از رواج لذت‌گرایی مدرن نتوانسته است به طور کلی ذهن زنان را از تفکرات وابسته به سنت رها کند. رواج بیش از پیش مؤلفه‌های مدرنیته در بازه زمانی دوم، میدانی گسترده‌تر از علایق و خواست‌های انسانی را برای زنان مهیا کرده است. رواج اندیشه‌های فمینیستی هرچند نشان از رواج تدبیرگرایی مدرن در این دوران است، تناقضات رفتاری زنان و میزان سطحی بودن این تفکر را در بین آنان نشان می‌دهد. افراط در پیروی از خواسته‌های انسانی و غریزی در دوره سوم حاکی از جهش تفکر انسان‌گرایی است. در این دوران، انفعال ناشی از تقدیرگرایی نیز مورد انتقاد نویسندگان بوده است.

واژه‌های کلیدی: مدرنیته، انسان‌گرایی مدرن، زنان، رمان فارسی و جامعه‌شناسی ادبیات.

* نویسنده مسئول: دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد، ایران mirzaeyan90@gmail.com

** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد، ایران Safari_706@yahoo.com

*** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان، ایران n.bagheri@vru.ac.ir



مقدمه

بیان مسئله و روش تحقیق

در تمامی دوران‌ها ارتباط ادبیات با فرهنگ، پیوندی ناگسستنی و انکارناپذیر بوده است. نویسنده هم خود از جامعه تأثیر می‌پذیرد و هم بر جامعه تأثیرگذار است و رمان به عنوان یک اثر هنری به نوعی رابطهٔ انسان با جامعه، فرهنگ و به طور کلی جهان هستی را نمایان می‌سازد. شناخت و بررسی تحولات هنری یک جامعه برای شناخت و آگاهی از تحولات فرهنگی - اجتماعی آن ضروری به نظر می‌رسد. یکی از تحولات تاریخی - اجتماعی که می‌توان با تکیه بر آثار ادبی و رمان، به طور خاص، سیر تحول آن را در جامعه ردیابی کرد، تأثیر مدرنیته و تفکر انسان‌گرایی حاصل از آن بر شخصیت زنان است. رمان، ژانر غالب معاصر ادبی و خود زاییدهٔ عصر مدرنیته است که بیشتر از دیگر قالب‌های ادبی به تصویر واقعی زن در جامعهٔ ایرانی نزدیک شده است. به همین سبب در این پژوهش برآنیم که با بررسی رمان‌های ایرانی منتخب از سال ۱۳۰۰ ه.ش تا ۱۳۵۷ ه.ش و با تکیه بر نظریه‌های آنتونی گیدنز^۱، جامعه‌شناس بریتانیایی، به بررسی سیر تحول انسان‌گرایی در سه دورهٔ زمانی ۱۳۰۰ ه.ش تا ۱۳۲۰ ه.ش، ۱۳۲۰ ه.ش تا ۱۳۴۵ ه.ش و ۱۳۴۵ ه.ش تا ۱۳۵۷ ه.ش پردازیم.

رمان‌های منتخب دورهٔ اول عبارت‌اند از: «تهران مخوف» نوشتهٔ مرتضی مشفق کاظمی، «روزگار سیاه» نوشتهٔ عباس خلیلی، «شهرناز» نوشتهٔ یحیی دولت‌آبادی، «هما» نوشتهٔ محمد حجازی، «تفریحات شب» نوشتهٔ محمد مسعود، «من هم گریه کرده‌ام» جهانگیر جلیلی و «زیبا» از محمد حجازی.

رمان‌های منتخب دورهٔ دوم عبارت‌اند از: «گل‌هایی که در جهنم می‌رویند» نوشتهٔ محمد مسعود، «دختر رعیت» نوشتهٔ محمود به‌آذین، «چشم‌هایش» نوشتهٔ بزرگ علوی، «سنگ صبور» نوشتهٔ صادق چوبک و «افسانه و افسون» محمدعلی اسلامی ندوشن.

رمان‌های منتخب دورهٔ سوم عبارت‌اند از: «طوطی» نوشتهٔ زکریا هاشمی، «سوشون»

نوشته سیمین دانشور، «دل کور» نوشته اسماعیل فصیح، «همسایه‌ها» نوشته احمد محمود، «شب یک، شب دو» نوشته بهمن فرسی، «بعد از تابستان» نوشته غزاله علیزاده و «سگ و زمستان بلند» نوشته شهرنوش پارسی‌پور.

در رمان‌های انتخاب‌شده، زنان نقش محوری ایفا می‌کنند. به همین سبب می‌توان با بررسی شخصیت زنان در این رمان‌ها به سیر تحول ذهنیت آنان در مواجهه با انسان‌گرایی مدرن دست یافت.

چیستی مدرنیته

ریشه کلمه سنت در زبان انگلیسی، یعنی tradition، بسیار قدیمی است. این کلمه ریشه در واژه لاتین trader دارد که به معنی انتقال یا دادن چیزی به شخص دیگر، برای محافظت از آن است (گیدنز، ۱۳۹۵: ۶۹). در علوم اجتماعی، سنت به معنی مجموعه‌ای است از باورها، رسوم و آدابی که به صورت جمعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. مهم‌ترین ویژگی سنت، انتقال آن از نسلی به نسل دیگر است. به اعتقاد جامعه‌شناسان، جامعه سنتی از ثبات برخوردار است؛ در حالی که جامعه مدرن به سرعت تغییر می‌کند و ثبات ندارد. تجدد، نوعی نظم پس از جامعه سنتی است، ولی نه آنچنان نظم‌ی که در آن احساس امنیت و قطعیت ناشی از عادات و سنن، جای خود را به یقین حاصل از دانش عقلانی سپرده باشد. تجدد، اصل شک بنیادین را نهادینه می‌سازد (همان، ۱۳۹۸: ۱۷).

نوآوری در جامعه سنتی، تهدیدکننده تلقی می‌شود و محافظه‌کاری به شدت رواج دارد و به روشنی پشتوانه‌ای است علیه هر چیزی که سنت متعارف را تهدید می‌کند. آنتونی گیدنز، مدرنیته را اینگونه تعریف می‌کند: مدرنیته، شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی است که از سده هفدهم در اروپا پیدا شد و به تدریج نفوذ کم و بیش جهانی یافت. این تعریف ابتدایی، مدرنیته را از جنس هنجارهای اجتماعی مربوط به یک دوره زمانی و یک جایگاه جغرافیایی اولیه معرفی می‌کند و بدین ترتیب مدرنیته، بیش از هر چیز جامعه‌شناختی است. گیدنز، سرچشمه‌های مدرنیته را در اختراع ساعت، کشف مناطق دوردست جهان، اعتماد به قابلیت‌های انتزاعی و ادراک بازاندیشی جست‌وجو می‌کند. او معتقد است که با پیدایش مدرنیته، بازاندیشی، خصلت ویژه‌ای به

خود می‌گیرد. عملکردهای اجتماعی پیوسته بازسنجی می‌شوند و بدین ترتیب ادراک بازاندیشی، آینده‌گرایی و نهادینه شدن شک از ویژگی‌های ذاتی مدرنیته به شمار می‌آید (دوران، ۱۳۷۸: ۴؛ گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۴-۲۶).

تبار واژه «مدرن» که در تمام زبان‌های اروپایی و بسیاری از زبان‌های دیگر از جمله در فارسی امروزی ما رایج شده، لفظ لاتینی modernus است که خود از قید modo مشتق شده. در زبان لاتین، معنای modo، «این اواخر، به تازگی، گذشته‌ای بسیار نزدیک» است. به گمان برخی از پژوهشگران، در سده شانزدهم، رویارویی مسائل تازه با سنت‌های کهن، تبدیل به مهم‌ترین دلالت ضمنی واژه modern شد. این معنای ضمنی واژه «مدرن» تا امروز، همراه با معنای اصلی آن یعنی «کنونی و امروزی» باقی مانده است. مدرنیته به معنی شیوه زندگی‌ای امروزی و جدید است که به جای منش کهن زیستن نشسته و آن را نفی کرده باشد (احمدی، ۱۳۸۷: ۹). مدرنیته به معنی خردباوری و تلاش برای بخردانه کردن هر چیز، شکستن و ویرانگری عادت‌های اجتماعی و باورهای سنتی، همراه با پشت سر نهادن ارزش‌ها، حس‌ها، باورها و در یک کلام شیوه‌های مادی و فکری زندگی کهن است (همان، ۱۳۷۳: ۱۱). بدین ترتیب مدرنیته بیانگر تازگی و نو بودن است و با زمان حال به معنی بریدن از زمان گذشته مرتبط می‌شود. این مفهوم با نوآوری، رشد، سلیقه، مد و تعابیری از این دست همراه است و نقطه مقابل سنت، گذشته‌گرایی و به طور کلی مفاهیمی است که قدیمی بودن را القا می‌کنند.

انسان‌گرایی مدرن

به گفته گیدنز، مدرنیته عبارت است از فرایندهایی که به نحو زنجیره‌ای در پی تغییر دیدگاه و تصاویر ذهنی ما از کیهان و جایگاه خود در آن، به وقوع پیوسته است. نتیجه این تغییر، نوعی جهان‌بینی است که طی روند صنعتی شدن، شهرنشینی، ایجاد اشکال جدید قدرت سیاسی، ظهور صورت‌های جدید هنری، انواع تازه‌ای از روابط بین‌فردی و... نمودار شده است. مدرنیته با شروع اتکا به عقلانیت این جهانی آغاز شده است (گیدنز، ۱۳۸۸: ۵۲). هستی‌شناسی مدرن، در واقع در تقابل با هستی‌شناسی قرون وسطایی قرار دارد. انسان مدرن همچنان که نیچه می‌گوید، در دوران «خدا مرده است» زندگی

می‌کند. ولی به نظر خود نیچه، این انسان‌ها بوده‌اند که خدا را کشته‌اند. منظور نیچه از «خدا مرده است»، عدم حضور خداوند به عنوان یک ملاک و معیار نهایی در این جهان است. در عصر مدرن، عدالت کیهانی یونانی که مبتنی بر رعایت حدود میان انسان، جامعه و طبیعت بود، درهم شکسته شد و انسان به عنوان سرور کائنات، حق‌مدار شد؛ دیگر می‌توانست ارزش‌ها و هنجارهای خودش را بیافریند و علاوه بر آن، هنجارها و قوانین طبیعت را کشف و دگرگون کند (واترز، ۱۳۸۱: ۲۴).

در این باور، خرد انسان قابل اعتنا و شاخصی برای تشخیص درستی از نادرستی است. در واقع قانون‌گذار رفتارهای انسان، خرد انسانی است. جهان از وجود داوری که مسئولیت داوری رفتار انسان را برعهده بگیرد، خالی است. انسان و خرد انسانی، مسئولیت قانون‌گذاری و داوری را برعهده دارند. از جمله پیامدهای چنین تفکری، رواج تدبیرگرایی مدرن در مقابل تقدیرگرایی سنتی است. تقدیرگرایی از مسائل دیرینه‌ای است که در بسیاری از تمدن‌ها مطرح بوده است. سرنوشت هر انسان - به مفهوم جهتی که زندگی او باید در پیش گیرد - با تقدیری که برای او رقم زده‌اند و با آنچه آینده در دل خود نهفته است، مشخص می‌گردد. در باور سنتی، سرنوشت، نوعی جبر از پیش تعیین‌شده است (گیدنز، ۱۳۹۸: ۱۵۸).

گیدنز معتقد است که با توجه به ماهیت زندگی اجتماعی و فرهنگی جدید، گرایش کلی اینک معطوف به متقابل قرار دادن سرنوشت و گشادگی افق‌های آینده است. او معتقد است که تقدیرگرایی در حقیقت نفی تجدد و «امروزین شدن» است یا به معنای کنار گذاشتن و ترک هرگونه جهت‌گیری کنترل‌شده به آینده و در پیش گرفتن حالتی مبتنی بر این اصل که هرچه پیش آید، خوش آید (همان). در جامعه مدرن، هرچه افراد بیشتر به هویت مستقل دست می‌یابند، بیشتر به این امر واقف می‌شوند که افعال آنها بر سرنوشت و آینده‌شان تأثیرگذار است.

ستایش آزادی از جمله موضوعات مورد توجه انسان‌گرایان مدرن گردید. آزادی در این تفکر بدین معناست که انسان، قانون‌گذاری نهادهایی مثل کلیسا، امپراطوری و... را نمی‌پذیرد و نظام سلسله‌مراتبی را که پیش از این در تفکر سنتی، جایگاه او را در هستی

مشخص می‌کرد، رد می‌کند (آلبرتینی، ۱۳۵۲: ۴۶-۴۷).

بنا به توضیحات بیان‌شده، با تکیه بر نظریه‌های گیدنز، می‌توان چهار محور اصلی زیر را برای انسان‌گرایی در دوران مدرن در نظر گرفت:

(الف) محوریت انسان و پابندی به خواست‌ها و علایق انسانی

(ب) تأکید بر قانون‌گذاری خرد و بی‌توجهی به نهادهای قانون‌گذار سنت

(ج) ستایش عقل‌گرایی و عدم اعتقاد به مفاهیم ماورای طبیعی

(د) تدبیرگرایی در مقابل تقدیرگرایی

در این مقاله به بررسی تأثیر این چهار محور بر ذهنیت زنان در رمان فارسی پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

تحولات منتج از مدرنیته، بسیاری از پژوهشگران را بر آن داشت که به بررسی نوع تغییرات ایجادشده و عوامل آن بپردازند. ادبیات نیز یکی از عرصه‌هایی است که پژوهشگران به بررسی بازتاب تغییرات حاصل از ورود مدرنیته در آن پرداخته‌اند. نمونه‌هایی از پژوهش‌های صورت‌گرفته در عرصه ادبیات عبارتند از: کتاب «داستان فارسی و سرگذشت مدرنیته در ایران» (۱۳۸۸) نوشته حورا یآوری که مقالات و گفت‌وگوهایی را که به پیوند میان مدرنیته و داستان پرداخته‌اند، جمع‌آوری کرده است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «سنت و مدرنیته در رمان‌های احمد محمود» نوشته فاطمه حسینی اسحق‌آبادی، مقاله «مدرنیته و ساختار سنتی خانواده با تکیه بر رمان شوهر آهو خانم» نوشته جهانگیر صفری و همکاران، مقاله «چالش سنت و مدرنیته در رمان اهل غرق منیرو روانی‌پور» نوشته رضا قاسم‌زاده و همکاران، مقاله «روایت گذر از سنت به مدرنیته در طعم گس خرمالو» نوشته احمد گلی و همکاران و... در اغلب پژوهش‌های صورت‌گرفته، آثار ادبی به صورت جداگانه بررسی شده‌اند. سیر تحول تغییرات ایجادشده در بازه زمانی خاص، کمتر مورد توجه بوده است. همچنین در این آثار، مدرنیته به عنوان یک کلیت

کاوبده شده است و مؤلفه‌های ذهنی این تحول، همچون انسان‌گرایی و تأثیر آن بر شخصیت زنان به صورت اختصاصی بررسی نشده است.

انسان‌گرایی زنان در رمان فارسی

انسان‌گرایی زنان در رمان دوره اول (۱۳۰۰.ش تا ۱۳۲۰.ش)

رمان‌های «تهران مخوف»، «روزگار سیاه»، «شهرناز»، «هما»، «فرنگیس»، «تفریحات شب»، «من هم گریه کرده‌ام» و «زیبا» که در فاصله سال‌های ۱۳۰۰.ش تا ۱۳۲۰.ش چاپ شده‌اند، در دسته اول بررسی شدند. اغلب این آثار، رمان‌های اجتماعی اولیه هستند که نویسندگان آنها با توصیف فساد سیاسی و اداری، فحشا و بی‌عدالتی، تلاش کرده‌اند تا تصویری از جامعه ایران پس از انقلاب مشروطه را ترسیم کنند. رویکرد زنان نسبت به محورهای انسان‌گرایی مدرن در رمان این دوره به شرح زیر است.

الف) محوریت انسان و پایبندی به خواست‌ها و علایق انسانی

در تفکر مدرن، انسان به عنوان سرور کائنات و مرکز هستی معرفی می‌شود. تغییر جایگاه انسان و محوریت او در نظام هستی موجب می‌شود که همه چیز به خاطر او و برای او تفسیر و معنا شود. گیدنز معتقد است که در زندگی امروزین، مفهوم شیوه زندگی، معنای خاصی به خود می‌گیرد. هرچه نفوذ و کشش سنت کمتر می‌شود، افراد بیشتر ناچار می‌شوند که شیوه زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند (گیدنز، ۱۳۹۸: ۲۰). در بررسی رمان‌های دوره اول با نمونه‌هایی از تأثیر این تفکر در اجتماع و به طور خاص در بین زنان هستیم. رواج روسپی‌گری، که نویسندگان رمان‌های اجتماعی بسیار بدان پرداخته‌اند، یکی از نتایج نفوذ این تفکر است (البته نه به این معنا که تنها عامل رواج بیش از پیش روسپی‌گری، لذت‌گرایی و انسان‌گرایی مدرن است).

در «تهران مخوف»، «روزگار سیاه»، «من هم گریه کرده‌ام»، «تفریحات شب» و «زیبا»، نویسندگان به مسئله فحشا و روسپیگری پرداخته‌اند. نویسندگان در رمان این دوره اغلب با نقل قول داستان زندگی از زبان زنان و شخصیت‌هایی که ارتباط نزدیکی با این زنان دارند، به گذشته آنها و چگونه رسیدن به روسپی‌گری می‌پردازند. جذابیت‌های

ره‌آورد دوران مدرن همچون حضور اجتماعی زنان و آزادی مدرن که به صورت بسیار محدود، برخی از زنان را از حصار خانه بیرون آورده است، موجب شده تا زنان بتوانند به خواست‌ها و علایق مادی و انسانی خود بیندیشند. رفتن به مدرسه و آشنایی به مظاهر مدرنیته از جمله موضوعاتی است که در «روزگار سیاه» و «تفریحات شب» بدان اشاره شده است و به عنوان یکی از عوامل رسیدن زنان به فحشا در کنار عللی دیگر (همچون قربانی شرایط خاص اجتماعی شدن) مطرح شده است.

در رمان «زیبا» صراحتاً به محوریت خواست شخصیت اصلی زن رمان، در کجروی‌ها و سرپیچی از قوانین عرفی و شرعی اشاره شده است. در این رمان‌ها، لذت‌گرایی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در گرایش زنان به رفتارهای ناهنجار اجتماعی نشان داده شده است؛ اما همه این زنان در لحظاتی، از رفتارهای لذت‌گرایانه خود، ابراز ندامت و شرمندگی می‌کنند. حتی شخصیت زیبا در رمان «زیبا» که جسورتر از دیگر زنان در این دوره معرفی می‌شود و خود بارها به اهمیت خواست و غریزه خود تأکید می‌کند، در لحظاتی از رفتار خود و در واقع از پیروی کردن از خواست‌های دنیایی و انسانی خود پشیمان می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که انسان‌گرایی و لذت‌گرایی مدرن، هرچند موجب تحولاتی در رفتارهای اجتماعی زنان شده است، این تحول نتوانسته است به طور کلی ذهن آنان را از تفکرات وابسته به سنت رها کند. پشیمانی و ندامت این زنان حاصل از مقایسه وضعیت خود با تعریف زن سنتی است. آنها خود را روزبه‌روز دورتر از این تعریف می‌بینند و به حال خود افسوس می‌خورند. اغلب این نویسندگان با دیدگاهی مایل به ماتریالیسم جامعه فاسد و ناسالم را مسبب به وجود آمدن چنین شرایط رقت‌باری برای زنان می‌دانند. زنان در چنین جامعه‌ای قربانیانی هستند که به دلیل ناآگاهی و نداشتن شناخت کافی از اجتماع، فریب می‌خورند و روزگارشان تباه می‌شود. نویسندگان این دوره با تکیه بر وضعیت زنان روسپی بر این مسئله تأکید دارند که رواج مدرنیته و انسان‌گرایی، باعث گرایش بیش از پیش به لذت‌گرایی و کجروی‌های حاصل از آن شده است.

ب) تأکید بر قانون‌گذاری خرد انسانی و بی‌توجهی به نهادهای قانون‌گذار سنت

باور به مرجعیت خرد انسان در پاسخ‌گویی به تمام نیازها و دستیابی او به سعادت

موجب می‌گردد که انسان مدرن خود را ملزم به پایبندی به قوانین نهادهای مذهبی و به طور کلی نهادهای قانون‌گذار سنت نداند. به تعبیر گیدنز، در دوران مدرن، یک نوع قطعیت (قانون الهی)، جایش را به نوع دیگری از قطعیت (قطعیت حواس تجربی) داد (حاجی‌حیدری، ۱۳۸۸: ۱۲۱). این تحول موجب شد که جایگاه نهادهای قانون‌گذار سنت در جامعه مدرن همچون گذشته نباشد. نمونه‌ای از این تحول را در رمان «زیبا» شاهد هستیم. دیگر زنان هرچند در رفتار خود تماماً به قوانین مذهبی و سنتی پایبند نیستند، نگاه انتقادی و یا اعتراضی نیز به این قوانین ندارند. آنها در واقع همراه با جریان مدرن‌گرایی جامعه از قید و بند برخی از قوانین سنتی رها شده‌اند و خودشان به عنوان شخص متفکر و تصمیم‌گیرنده از قوانین سنتی سرپیچی نمی‌کنند.

شخصیت اصلی رمان «من هم گریه کرده‌ام» که زنی روسپی است، به نادرستی اجرای احکام مذهبی معترض است و معتقد است که اگر در دنیا، تقوی حکومت داشت، وضعیت جامعه و به‌ویژه زنان روسپی اینگونه نبود (جلیلی، ۱۳۱۲: ۵۰، ۵۷ و ۵۸). آنچه در رمان این دوره نشان داده شده است، تصریح می‌کند که قوانین سنتی همچنان مرجع اغلب زنان سنتی در انتخاب شیوه زندگی است. نویسندگان با تأکید بر وضع زنان روسپی و تلاش برای انداز افکار عموم می‌خواهند به مخاطب خاطرنشان کنند که نتیجه بی‌توجهی به قوانین شرعی و سنتی، چیزی جز روسپاهی و فلاکت نیست.

از جمله نتایج انسان‌گرایی، اعتقاد انسان‌ها به مختار بودن و آزادی برای وضع قوانین و هنجارهای فردی و اجتماعی است. این مسئله موجب می‌شود که قوانین سنتی و همچنین قوانینی که مذهب، پایه‌گذار آنهاست، برای فرد بی‌معنی تلقی گردد و خود را ملزم به رعایت این قوانین از پیش تعیین‌شده نداند. رفتارهای متضاد با قوانین شرعی و عرفی که در رمان «تفریحات شب» توصیف می‌شود، یکی از نتایج رواج این تفکر است. هرچند شرایط نابسامان اجتماعی، عاملی مهم در گرایش افراد به رفتارهای منافی عفت است، نوع تفکر شخص، تعیین‌کننده نهایی رفتار اوست.

در رمان‌های اجتماعی اولیه ادبیات ایران و از جمله در رمان مذکور، نویسندگان بیش از دوره‌های متأخر به رواج فسادهای اخلاقی، فحشا و به طور کلی رفتارهای متضاد

با قوانین شرعی پرداخته‌اند و با ترسیم سیاهی‌ها و تباهی‌های موجود در اجتماع به تأثیر محیط اجتماعی ناسالم بر رفتارهای منافی عفت اشاره کرده‌اند. در واقع در این دوران به علت رواج انسان‌گرایی مدرن و برداشت نادرست از این مؤلفهٔ مدرنیته، فساد فردی و اجتماعی (نسبت به دوران پیش از ورود مدرنیته) به طور قابل ملاحظه‌ای شدت یافته است. شرمساری و احساس گناه نیز به علت کنار رفتن مرکزیت قانون‌گذاری شرع در بین افراد متمایل به مدرنیته، بسیار کم شده است. این موارد موجب می‌شود که نویسندگان، فساد اخلاقی و اجتماعی زنان را موضوعی مهم و قابل ذکر در رمان بدانند. فحشا هرچند در دوران پیش از مدرنیته نیز رواج داشته است، یکی از دلایل از بین رفتن نسبی قبح آن در بین برخی از سطوح اجتماع، رواج اندیشهٔ انسان‌گرایی و بی‌توجهی به نهادهای قانون‌گذار سنت است.

ج) ستایش عقل‌گرایی و اعتقاد نداشتن به مفاهیم ماورای طبیعی

به تعبیر گیدنز، تمام حوزه‌های زندگی مدرن، تمایل روزافزونی به عقلانی شدن دارند. مدرنیته، سازمان بخردانهٔ جامعه است؛ گونه‌ای گسست تام از باورهای غایت‌شناسانه و اعتقاد به هدفی علمی و از دیدگاه عقلانی، توجیه شدنی (حاجی حیدری، ۱۳۸۸: ۵۹). در واقع نقطه مقابل تفکر خردگرایانه مدرن، تأکید بر وجه تقدس امور مذهبی و آمیختن آن با خرافات مجعول است که در بین زنان سنتی رمان‌های بررسی شده، می‌توان موارد زیادی مشاهده کرد. این زنان نسبت به تحولات صورت‌گرفته در اجتماع و تغییرات فکری به‌وجودآمده مقاومت می‌کنند. یکی از دلایل این مقاومت این است که زنان سنتی، قرن‌های متمادی در حصارهای بلند سنت، با عقاید مذهبی و مفاهیم ماورای طبیعی که بسیاری از آنها با خرافات آمیخته شده، سرگرم شده‌اند. حضور در مراسم سنتی و عزاداری‌های مذهبی از معدود مکان‌هایی است که زنان سنتی، اجازهٔ ورود به آن را داشته‌اند. حال با ورود مدرنیته و تغییرات به‌وجودآمده، آنها همچنان به عادات مألوف خود می‌پردازند و زنانی را که با پیروی از تفکر مدرن به موضوعات نو علاقه‌مند شده‌اند، گستاخ و خودرأی لقب می‌دهد. نویسندگان در «تهران مخوف» و «روزگار سیاه» به این موضوع اشاره کرده‌اند (ر.ک: کاظمی، ۱۳۴۷: ۳۷۷؛ خلیلی، ۱۳۰۳: ۶۶).

در رمان «زیبا» و «هما» اشاره شده است که شرکت در مراسم عزاداری مذهبی برای برخی از زنان، بیش از یک تکلیف مذهبی و در حقیقت نوعی سرگرمی محسوب می‌شد (حجازی، ۱۳۰۷: ۱۰۹ و ۱۳۴۰: ۷).

بی‌اعتمادی عمومی به زنان و ایجاد حس حقارت در آنان موجب می‌شد تا آنها راهی به جز پناه بردن به جهان جادو، فال، خرافه و دعانویسی نداشته باشند. جادو، جبرانی برای ناتوانی‌های اجتماعی زنان و واکنشی در مقابل محدودیت‌های اجتماعی آنان بود (ترابی فارسانی، ۱۳۹۷: ۲۲). به همین دلیل است که جادو، یکی از مهم‌ترین ترس‌ها برای زن سنتی است و برای دفع خطرانی که ناشی از سحر و جادو می‌داند، تلاش می‌کند. در رمان «شهرناز»، «هما» و «تهران مخوف» شاهد این دسته از زنان سنتی هستیم (دولت‌آبادی، ۱۳۰۵: ۳۰؛ حجازی، ۱۳۰۷: ۵۸؛ کاظمی، ۱۳۴۷: ۱۰۳ و ۱۱۳).

در رمان این دوره، زنان آشنا با مدرنیته نیز به مفاهیم مذهبی و ماورای طبیعی معتقد هستند (کاظمی، ۱۳۴۷: ۲۰۹). زنان روسپی، قوانین شرعی را زیر پا نهاده‌اند، اما هنوز رگه‌هایی از اعتقاد مذهبی را در خود می‌یابند (ر.ک: خلیلی، ۱۳۰۳: ۱۶۶؛ جلیلی، ۱۳۱۲: ۵۸، ۱۱۲، ۱۲۷ و ۱۴۴). آنچه نویسندگان این دوره از زنان به تصویر می‌کشند، نشان می‌دهد که این زنان هرچند تاحدودی به واسطه عقل‌گرایی ناشی از رواج تفکر مدرن، به اندیشه نقاد دست یافته‌اند، اغلب این انتقادهای درباره موضوعات روزمره زندگی است و در مباحث مهم علمی و یا اعتقادی با این تفکر ورود پیدا نکرده‌اند. شخصیت هما در رمان «هما»، نمونه‌ای استثنایی در بین زنان بررسی شده است. تفاوت دیگر زنان آشنا با مدرنیته با زنان سنتی اطرافشان، تأکید کمتر بر موضوعات اعتقادی و ماورای طبیعی و بی‌توجهی به خرافات رایج است.

د) تدبیرگرایی در مقابل تقدیرگرایی

آنتونی گیدنز می‌گوید: «هیچ‌گونه فرهنگ غیر جدید را نمی‌توان یافت که مفاهیم سرنوشت و تقدیر را به نوعی در بطن فلسفه خاص خود نگنجانده باشد. در این تفکر، سرنوشت، نوعی جبر از پیش تعیین شده است. اما نگرش مدرن با چنین مفهومی در تقابل است» (گیدنز، ۱۳۹۸: ۱۵۷-۱۵۸). هرچند زمان نگارش رمان‌های ذکرشده، چندین دهه پس

از زمان ورود اندیشه‌های نوگرایانه به ایران است، نسبت به اندیشهٔ تقدیرگرایانهٔ سنتی، تغییرات شدیدی احساس نمی‌شود. اغلب زنانی که نویسندگان این دوره تصویر می‌کنند، یا تماماً سنتی و تقدیرگرا هستند و یا پوشیده در ظاهری مدرن به تقدیر و محتوم بودن آن معتقد هستند. زنان سنتی این رمان‌ها، منفعل و تأثیرپذیر از دیگرانی هستند که برایشان تصمیم می‌گیرد. شرایط سنتی حاکم بر خانواده و اجتماع باعث شده است که خودباوری در زنان سنتی بسیار ضعیف و نامحسوس باشد. این زنان با مفاهیمی همچون تلاش برای تغییر شرایط و اتکا به تدبیر برای گذر کردن از شرایط ناگوار، ناآشنا هستند.

خودکشی کردن زینب در رمان «زیبا»، پس از اینکه مورد تجاوز قرار می‌گیرد، دلیلی بر این مدعاست (حجازی، ۱۳۱۲: ۳۸۵). زینب، بدبختی و زندگی تلخ را محتوم و تغییرناپذیر می‌داند. در همین رمان، نقطه مقابل این شخصیت، زیبا، در گروه زنان مدرن قرار می‌گیرد. زیبا نه تنها از لحاظ ظاهری و ارتباط اجتماعی، زنی مدرن محسوب می‌شود، تدبیرگرایی او نیز بنا بر اندیشهٔ انسان‌گرایی مدرن است. حيله‌گری و چاره‌سازی‌های او، هرچند برای دستیابی به آرزوهای کاملاً مادی و اغلب در خلاف جهت شرع و عرف اجتماعی است، نشان می‌دهد که زیبا به تأثیر خود در ساختن آینده زندگی‌اش باور دارد.

در «روزگار سیاه»، زنان آشنا با مظاهر مدرنتیه، با ارجاع رفتارهای ناشایست خود به تقدیر، مسئولیت‌های فردی و اجتماعی را از سر خود بازمی‌کنند. هرچند شرایط نامساعد فرهنگی- اجتماعی و همچنین ویژگی‌های روحی و روانی این زنان، در شکل‌گیری شخصیت و به خطا رفتن آنان مؤثر است، آنها تقدیر را به عنوان نیروی بیرون از وجود و اختیار انسان، مسئول تمام کجروی‌ها و اتفاقات ناگوار زندگی می‌دانند (خلیلی، ۱۳۰۳: ۲۶، ۹۶، ۱۴۳ و ۱۷۸).

در این بازه زمانی، موارد انگشت‌شماری می‌توان یافت که به تأثیرگذاری انسان در تغییر شرایط معتقد هستند. سکوت عفت در مقابل ظلم آشکار همسر و پذیرفتن هر آنچه به روزش می‌آید در «تهران مخوف»، نمونه‌ای از انفعال ناشی از تقدیرگرایی است. در بین رمان‌های این دوره، اعتقاد و باور به تغییرپذیری انسان در رفتار هما، شخصیت

اصلی رمان «هما» قابل مشاهده است. تصمیم‌گیری برای زندگی آینده، همچنین یادگیری علوم و تلاش برای انتقال این علوم به دختران دیگر، نتیجه این نوع تفکر اوست (حجازی، ۱۳۰۷: ۵۵).

در رمان «شهرزاد»، شخصیت پریش قابل تأمل است. پریش، دختری روستایی، فعال و تأثیرگذار است. تلاش‌های پریش برای بهبود و کنترل شرایط زندگی، هرچند با مفهوم انسان‌گرایی مدرن مطابقت دارد، این مسئله بدین معنی نیست که پریش با تکیه بر تفکر مدرن به تدبیرگرایی دست می‌یابد. روحیه تلاشگری روستایی، عاملی مهم در فعال بودن شخصیت پریش است. در حقیقت پریش به دنبال تغییر آنچه تا پیش از آن بوده است، نیست، بلکه به عنوان زنی سخت‌کوش به شغل دیرینه اجداد خود می‌پردازد. موارد انگشت‌شمار زنانی که به فکر تغییر سرنوشت و تدبیر کردن در امور هستند، نشان می‌دهد که نویسندگان این دوره معتقدند که ظواهر مدرن، زودتر از تفکر مدرن در بین زنان نفوذ یافته است.

انسان‌گرایی زنان در رمان دوره دوم (۱۳۲۰ه. ش تا ۱۳۴۵ه. ش)

رمان‌های «گل‌هایی که در جهنم می‌رویند»، «دختر رعیت»، «چشم‌هایش»، «سنگ صبور» و «افسانه و افسون» در دوره دوم بررسی ما قرار گرفته‌اند. از جمله ویژگی‌های رمان در این بازه زمانی، پرداخت جزئی‌تر به موضوعات زن‌محور است. تنوع بیشتر موضوعات اجتماعی در رمان‌ها و تنوع شخصیت‌پردازی‌ها، مخاطب را با انواع گسترده‌تری از شخصیت زنان در این دوره آشنا می‌کند. تحلیل نهایی انسان‌گرایی مدرن در رمان این دوره با شاخص‌های زیر صورت گرفته است.

الف) محوریت انسان و پایبندی به خواست‌ها و علایق انسانی

در این دوره، مسئله روسپی‌گری همچون دوره قبل پیگیری نمی‌شود. این به معنی کمتر شدن این معضل در جامعه نیست، بلکه نویسندگان با رویکردهای متفاوت و نگاه‌های جزئی‌گرایانه بیشتر به کار نوشتن پرداخته‌اند. رواج بیش از پیش مؤلفه‌های مدرنیته، میدانی گسترده‌تر از علایق و خواست‌های انسانی را برای زنان مهیا کرده است. آزادی بیشتر در ارتباط‌های اجتماعی، یکی از این عرصه‌هاست. در رمان‌های

«چشم‌هایش» و «افسانه و افسون»، زنان بیش از گذشته به دنبال گسترش ارتباط‌های اجتماعی و به‌ویژه ارتباط با جنس مخالف هستند. وسیع‌تر شدن عرصه حضور اجتماعی زنان موجب شده است که جدی‌تر از گذشته برای دستیابی به این خواسته تلاش کنند. خواسته دیگر، جای گرفتن در قالب ظاهری انسان مدرن است. جذابیت‌های ظاهری مدرنیته به حدی برای زنی چون حلیمه باجی در «افسانه و افسون» زیاد است که شخصیت مذهبی و سنتی او در عرض مدت کوتاهی تغییر می‌کند و تبدیل به زنی با ظاهر مدرن می‌شود (اسلامی، ۱۳۴۶: ۷ و ۵۱).

آنچه نویسندگان در دوره قبل از زن تصویر می‌کردند، نشان می‌داد که زنان با تکیه بر تمایلات اغلب جنسی و برای جذب جنس مخالف، از قوانین جامعه سنتی روی می‌گرداندند. در این دوران، این تمایلات را در تعداد کمتری از شخصیت‌های زن می‌بینیم. شرکت در عرصه‌های اجتماعی، مبارزه با مردسالاری و جاه‌طلبی از جمله علایق انسانی زنان است که در رمان‌های این دوره بدان‌ها پرداخته شده است. آنها برای رسیدن به هر یک از این خواسته‌ها، بخشی از قوانین سنتی را نادیده گرفته‌اند؛ اما مخالفت‌ها و مقاومت‌های نمایندگان جامعه سنتی در برابرشان کمتر از گذشته است. برای مثال در رمان «چشم‌هایش»، مادر فرنگیس مخالف سفر رفتن اوست؛ اما حمایت پدر از حضور اجتماعی زنان موجب می‌شود که فرنگیس به خواسته خود برسد (علوی، ۱۳۳۱: ۷۳). یا زنان در رمان «افسانه و افسون»، جذب گروه‌ها و کلوپ‌های بانوان می‌شوند و با پیگیری اندیشه‌های فمینیستی برای رسیدن به برخی از مطالبات و خواسته‌های زن‌محور خود تلاش می‌کنند.

از جمله نتایج انسان‌گرایی مدرن، توجه به آزادی و تقدیس آن است. انسان‌مداری مدرن موجب شد که انقیاد و پذیرش که از جمله مشخصه‌های زندگی سنتی بود، جای خود را به انتقاد و بازاندیشی بدهد. جنبش‌ها و انقلاب‌ها در جوامع ناشی از همین تغییر دیدگاه سنتی به مدرن بوده است. رمان «چشم‌هایش» به مبارزات سیاسی در خلال یکی از جنبش‌های در راه آزادی اشاره می‌کند. فرنگیس در این رمان در جریان این مبارزات

قرار می‌گیرد و در آن نقش ایفا می‌کند. لایهٔ ظاهری این حرکت همسو با انسان‌گرایی مدرنیته است؛ اما فرنگیس در صحبت‌هایش اعتراف می‌کند که غرض شخصی و جاه‌طلبی، او را وادار به شرکت در فعالیت اجتماعی می‌کند (علوی، ۱۳۳۱: ۱۱۵).

در تلقین تفکرات ضد استبدادی به فرنگیس نیز مردان تأثیرگذار هستند. دکتر بشیریه درباره مشارکت سیاسی زنان در دوران پهلوی چنین می‌نویسد: «بر اساس بسیاری از پژوهش‌ها، مشارکت زنان در زندگی سیاسی، مشارکت مستقلی نیست؛ بلکه تابع علایق مردانه‌ای است که همه‌جا در زندگی سیاسی حاکم است. به عبارت دیگر سیاست، مشغله مردانه‌ای تلقی می‌گردد و نبود اصل برابری و آزادی در زندگی فردی و اجتماعی زنان، مشارکت آنان را محدود و مختل می‌سازد» (بشیریه، ۱۳۸۵: ۴۲). با این تفاسیر می‌توان تحلیل کرد که حضور زنان در عرصهٔ سیاسی در این دوره، هرچند نشان از رشد تفکر انسان‌گرایی مدرن و پایبندی به خواست‌ها و علایق انسانی است، زنان همچنان روحیهٔ پیرو و تابع بودن زن سنتی را در خود حفظ کرده‌اند.

(ب) تأکید بر قانون‌گذاری خرد انسانی و بی‌توجهی به نهادهای قانون‌گذار سنت

آنچه در رمان این دوره تصویر می‌شود، نشان می‌دهد که بی‌اعتنایی به قوانین موجود در جامعه سنتی در این دوره بیش از گذشته است. گروه‌های بیشتری از زنان، قوانینی همچون حجاب، ارتباط محدود زنان با دنیای خارج از خانه، الزام پیروی زن از مرد را نقض می‌کنند. این بی‌اعتنایی، تنها حاصل بی‌توجهی یک فرد نیست، بلکه وضعیت رو به مدرنیتهٔ جامعهٔ ایرانی و مدرنیسم فرمایشی دولت نیز در ایجاد چنین فضایی، سهم ویژه داشته است. وسیع‌تر شدن دایرهٔ آشنایی افراد جامعه با مدرنیسم و همچنین متداول‌تر شدن رفتارهای مدرن‌گرایانه موجب شده است که مقاومت شخصیت‌های زن سنتی نسبت به سنت‌گریزی زنان مدرن، کمتر از گذشته باشد.

به دلیل رواج انسان‌گرایی مدرن، موضوعاتی مثل برتری مردان بر زنان و یا فرمانبرداری مطلق زنان از مردان - که تا پیش از آن در گفتمان سنتی مطرح و پذیرفته شده بود- مورد انتقاد قرار می‌گیرد. در «افسانه و افسون»، نویسنده به گرایش‌های فمینیستی رایج در بین گروه‌های خاص زنان می‌پردازد. هرچند نویسندهٔ این رمان به

قصد انتقاد از افراط و تفریط‌ها در گرایش‌های فمینیستی، دست به کار نوشتن شده است، موضوع قابل تأمل در موضوعات مطرح‌شده در سخنرانی‌های کلوپ بانوان و عقاید اعضای این کلوپ، بازتعریف مفهوم زن و اعتراض به محدودیت‌ها و هنجارهای تعریف شده برای زن سنتی است (اسلامی، ۱۳۴۶: ۸۴، ۸۵، ۱۲۲ و ۲۸۰). لازم به ذکر است که این انتقادات به صورت گسترده و در بین تمام زنان مطرح نیست. این اندیشه بیشتر در بین گروه‌های خاص آشنا با اندیشه‌های انتقادی و زن‌محور مورد توجه قرار گرفته است و با کژفهمی و افراط‌هایی نیز همراه است.

ج) ستایش عقل‌گرایی و اعتقاد نداشتن به مفاهیم ماورای طبیعی

مفاهیم مذهبی و اعتقادی در بین زنان سنتی این دوره همچون گذشته رواج دارد. در رمان‌های «گل‌هایی که در جهنم می‌روید»، «سنگ صبور»، «چشم‌هایش» و «افسانه و افسون»، نمونه‌هایی از اعتقادات مذهبی و همچنین آمیختگی این اعتقادات با مفاهیم خرافی در زنان سنتی و اغلب مسن می‌توان یافت. برای مثال در «سنگ صبور»، تقدس حریم امام‌زاده شاه‌چراغ^(ع) در نظر جهان‌سلطان و رویای بهشت و ازدواج با ملائکه (چوبک، ۱۳۴۵: ۱۷) نشان می‌دهد که او در سراسر عمر خود با اعتقاد به یک کلیت واحد در جهان هستی زندگی کرده است و به سلسله‌مراتبی که از این اعتقاد ناشی می‌شود، معتقد است. نمونه زنان سنتی و با اعتقادات مذهبی در دیگر رمان‌های نام‌برده نیز وجود دارد.

موضوع قابل تأمل در این بررسی این است که از نگاه نویسندگان، کم‌رنگ شدن مسائل و موضوعات اعتقادی در بین زنان آشنا با مدرنیته در دوره مورد بررسی، نتیجه نگرشی نقادانه نیست؛ بلکه همراهی با جریان تغییرات اجتماعی است. به همین سبب در برخی از شخصیت‌های زن در رمان این دوره شاهد ظاهر کاملاً مدرنی هستیم که به دنبال بهره‌گیری از دنیای ماورای طبیعی و موضوعات موهوم و خرافی است. زنان به ظاهر مدرن در «افسانه و افسون»، نمونه‌ای از این زنان هستند.

د) تدبیرگرایی در مقابل تقدیرگرایی

انفعال جامعه سنتی در برابر رخدادها که نتیجه تقدیرگرایی سنتی است، در دوران مدرن، جای خود را به تدبیرگرایی می‌دهد. اما این جایگزینی به یکباره و در تمام عرصه‌ها

صورت نمی‌گیرد. رمان «دختر رعیت» از سال‌های آغازین ورود تفکر مدرن به ایران حکایت دارد. ورود اندیشهٔ مدرن و تغییر ذهنیت سنتی در برخی از ابعاد موجب شده است که افراد به بازاندیشی در حیات اجتماعی خود پردازند. انسان‌گرایی ناشی از مدرنیته موجب شده که روشن‌فکران و برخی از گروه‌های جامعه، نظم اجتماعی سابق را نپذیرند و دست به قیام علیه عوامل ظلم بزنند. آنچه در این رمان نشان داده می‌شود این است که این تغییرات ذهنی و در پی آن، تحولات سیاسی و اجتماعی، فقط مختص مردان بوده است. زنان همچون گذشته خود را در حاشیهٔ نظام هستی می‌بینند. آنها همواره در پی این هستند که با قدرت‌های برتر از خود (خواه قدرت مافوق بشری و خواه انسان قدرتمندتر از خود) کنار بیایند. مقاومت کردن و یا اندیشهٔ تغییر شرایط در ذهن هیچ‌یک از این زنان شکل نمی‌گیرد. در این موضوع بین زنان ارباب و رعیت، تفاوتی محسوس نیست.

برخی از زنان نمایندهٔ تفکر مدرن در «افسانه و افسون» هرچند درباره موضوعات زن-محور به تدبیرگرایی می‌پردازند و با عضویت در کلوپ بانوان و سخنرانی درباره راه‌های متمدن کردن زنان به دنبال سیادت زنان در آینده‌اند، اما همین زنان با دریافتی ناقص از مفاهیم مدرن به دنبال فال برای باخبر شدن از تقدیر و سرنوشت هستند. این تناقض ناشی از ریشه‌ای نبودن تفکرات مدرن در بین اغلب گروه‌های متمایل به مدرنیته است (اسلامی، ۱۳۴۶: ۳۳-۴۰).

انسان‌گرایی زنان در رمان دوره سوم (۱۳۴۵ ه.ش تا ۱۳۵۷ ه.ش)

«طوطی»، «سووشون»، «دل کور»، «همسایه‌ها»، «شب یک، شب دو»، «بعد از تابستان» و «سگ و زمستان بلند»، عناوین رمان‌هایی است که در دورهٔ سوم یعنی از ۱۳۴۵ ه.ش تا ۱۳۵۷ ه.ش به طبع رسیده‌اند و در این بررسی به عنوان رمان منتخب قرار دارند. با در دسترس قرار گرفتن مؤلفه‌های مدرنیته برای طبقهٔ متوسط، در این دوره، بخش زیادی از زنان جامعه با ظواهر مدرنیته آشنا شدند. با وجود این تعداد زنانی که جدای از ظاهر مدرن، به تفکر مدرن دست یافته باشند، انگشت‌شمار است. یکی از تفاوت‌های این دوره با دو دورهٔ قبل، وجود آثاری از نویسندگان زن است. نویسندگان زن با تأکید بیشتر بر فردیت و هویت زن ایرانی، تلاش کرده‌اند تا تصویری واقعی‌تر از زن ایرانی ارائه دهند.

آنها بیش از مردان، شخصیت زنان ستیزنده، انتقادگر و مخالف سنت را در رمان انعکاس داده‌اند. مهم‌ترین موضوعات در ارتباط با انسان‌گرایی که در رمان‌های این دوره بدان برمی‌خوریم، عبارتند از:

الف) محوریت انسان و پایبندی به خواستها و علایق انسانی

با توجه به گذشت زمان و سوگیری بیش از پیش نهادهای مختلف اجتماعی به سمت مدرنیزاسیون، طبیعی است که در رمان دوره سوم با افزایش موج انسان‌گرایی مدرن مواجه باشیم. چنان‌که در «همسایه‌ها»، «دل کور»، «بعد از تابستان» و «طوطی» به گونه‌ای با آن مواجه هستیم. اما آنچه در برخی از رمان‌های این دوره نشان داده شده است، حکایت از جهشی افراطی در پیروی از تمایلات و خواست‌های انسانی دارد. گویی زنان در واکنش به فشارها و اختناق فضای سنتی که قرن‌ها آنها را از بسیاری از امتیازها محروم کرده بود، با رفتار ناهنجار و نامتعارف خود، می‌خواهند انتقام دوران محصور و محدود بودن را از جامعه سنتی بگیرند و بر خواست و آزادی خود تأکید کنند.

در «شب یک، شب دو»، سطح بالای انسان‌گرایی شخصیت‌های زن به لذت‌گرایی صرف و گریز از هنجارهای اخلاقی انجامیده است. ارتباط آزاد و نامشروع با جنس مخالف در نتیجه حذف اعتقادات مذهبی و گسستن از ریشه‌های سنتی بین اغلب این زنان، امری تقریباً عادی است. نویسندگان در رمان‌های پیش از این، ارتباط نامشروع زنان و روسپیگری را نتیجه شرایط نابسامان اجتماعی قلمداد می‌کردند و اغلب زنان روسپی را شخصیت‌هایی قابل ترحم و قربانی ترسیم می‌کردند؛ اما فرسی در این رمان به خواست و لذت‌گرایی زنان اشاره می‌کند. زنان هنرمند و روشن‌فکری که فرسی خلق می‌کند، خدا را به عنوان ملاک و معیاری برای داوری رفتارهای انسان و عاملی برای پاداش و یا عقوبت کردن نمی‌شناسند. به همین دلیل، ندامت و پشیمانی (که گاه برخی از زنان روسپی در رمان‌های پیش از این از خود بروز می‌دادند) در رفتار این زنان به چشم نمی‌خورد. رفتارهای جسورانه بی‌بی، همانند طراحی لباس برای زنان روسپی، ارتباط نامشروع با جنس مخالف و تحسین شجاعت روسپیان، تفاوت سطح انسان‌گرایی را در این شخصیت و زنانی که پیش از این بررسی شد، نشان می‌دهد.

شخصیت حوری در «سگ و زمستان بلند»، نمایندهٔ کسانی است که در جدال سنت و مدرنیته به درک جدید و شناختی متفاوت از خود می‌رسند. او در این جدال در سوی مدرنیته قرار گرفته است. به همین دلیل قوانین و سنت‌های پیشین را که خواهر، مادر و دیگر زنان سنتی اطرافش پذیرفته‌اند، نمی‌پذیرد. او با تجربهٔ عشق‌های ممنوع به دنبال رهایی از قیدهای سنت و تأکید بر خواستهٔ خود است. ارتباط نامشروع با جنس مخالف، در سر داشتن اندیشهٔ فرار و بی‌توجهی به قوانین و هنجارهای سنتی، نشان‌دهندهٔ فردگرایی افراطی اوست. حوری به دنبال یافتن آزادی مدرن می‌خواهد از تمام ریشه‌های سنتی که او را در خود گرفته‌اند، بگریزد و تابع خواست‌های فردی خود باشد. اما پدر به عنوان نمایندهٔ سنت در مقابل اوست و موجب مرگ فرزند به دنیا نیامده‌اش می‌شود. این کنش داستانی، شاید کنایه‌ای باشد به اینکه سنت حتی به فرزند به دنیا نیامدهٔ مدرنیسم رحم نمی‌کند و از تولد آن می‌ترسد (بهبهانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲).

ب) تأکید بر قانون‌گذاری خرد انسانی و بی‌توجهی به نهادهای قانون‌گذار سنت

آشنایی بیش از پیش زنان با تفکر انتقادی در این دوران موجب شده است که شخصیت‌های زنی که نماد مدرنیته محسوب می‌شوند، بیشتر از دو دورهٔ قبلی با قوانین سنتی رایج در اجتماع بستیزند. این ستیزگاه به شکلی افراطی بروز می‌کند. بی‌بی، تهمینه، عباسه ملوکی و...، نام زنانی است که در «شب یک، شب دو» در کسوت زنان مدرن به قوانین سنتی و مذهبی رایج در اجتماع بی‌توجه‌اند. در واقع نویسندگان با خلق چنین شخصیت‌هایی و با تکیه بر ارتباط‌های نامشروع با جنس مخالف و عدم پایبندی به بنیان خانواده می‌خواهند زنی را مدرن جلوه دهند که در انتخاب روش زندگی، پایبند به قوانین نهادهای سنتی نیست و در ابراز عدم پایبندی، جسورانه‌تر عمل می‌کند. برای مثال بی‌بی هرچند خود به طور نامشروع با زارش در ارتباط است، باز هم جرأت و جسارت زنان روسپی را می‌ستاید (فرسی، ۱۳۵۳: ۴۳) و برای زنان روسپی، لباس طراحی می‌کند (همان: ۲۳۱).

حوری در «سگ و زمستان بلند» می‌خواهد خود به عنوان یک انسان برای زندگی و نوع رفتارش قانون‌گذاری کند؛ پدر به عنوان نمایندهٔ و نماد سنت در مقابل او (و

همین‌طور برادرش حسین) می‌ایستد. حوری به موضوعات اعتقادی و مذهبی به دیده‌شک و تردید می‌نگرد. در این رمان، مادر، بدری، عم‌قزی، خانم افخمی، رباب و دیگران، هر یک به نوعی، جنبه‌هایی از شخصیت زن سنتی ایرانی را نشان می‌دهند. فهیمه و مهری نیز هرچند هم‌نسل حوری و آشنا با ظواهر مدرنیته هستند، هیچ‌گاه در برابر اصول سنتی حاکم اعتراض نمی‌کنند. حوری با ستیز خود نشان می‌دهد که خواستار تغییر و تحول است؛ اما نه تنها مایه ایجاد تحول نمی‌شود، بلکه سرخورده و مطرود، راهی بیمارستان روانی می‌شود و خود را زنی هویت‌باخته می‌یابد (پارسی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۸۷).

لازم به ذکر است که هرچند در دو رمان یادشده با نمونه‌هایی از سنت‌ستیزی افراطی زنان مواجه هستیم، در این دوره تعداد این زنان معدود و ساختار سنتی خانواده و اجتماع تا حد زیادی حفظ شده است؛ بنابراین این ستیزها و مقاومت‌ها اغلب با واکنش‌های تند و تلخ مواجه می‌گردد و در بین همه زنان عمومیت ندارد. جدال و کشمکش اغلب بر سر قوانینی است که شکل ارتباط با جنس مخالف و رابطه زنان با مردان را تعریف می‌کند.

یکی دیگر از موضوعات مطرح‌شده در رمان این دوره، توجه و تأکید زنان مدرن بر بازتعریف مفهوم زن و تلاش برای تغییر دیدگاه‌های سنتی نسبت به زنان است که می‌توان آن را از جمله نتایج خردگرایی مدرن در این دوره دانست. سیمین دانشور در «سووشون»، شهرنوش پارسی‌پور در «سگ و زمستان بلند» و احمد محمود در «همسایه‌ها» به این مسئله اشاره کرده‌اند.

ج) ستایش عقل‌گرایی و عدم اعتقاد به مفاهیم ماورای طبیعی

اغلب زنان به ظاهر آشنا با مدرنیته که در رمان این دوره معرفی می‌شوند، تنها به دلیل جریان مدرنیسم رایج در جامعه از باورهای ماورای طبیعی دور شده‌اند، اما در کنه ذهن خود، جایی برای باورهای مذهبی دارند. زنانی که هاشمی در رمان «طوطی» تصویر کرده است، همگی روسپی هستند و در محله بدنام شهر نو زندگی می‌کنند. بنا بر آنچه نویسنده تصویر می‌کند، رفتار این زنان در تضاد کامل با موازین مذهبی و یکی از تأثیرات انسان‌گرایی دوران مدرن است. در دوران سنت، انسان سنتی، خود را متعلق به

زنجیرهٔ عظیم هستی می‌دانست. در این زنجیرهٔ هستی، نظم‌ی سلسله‌مراتبی وجود داشت و انسان‌ها به همراه فرشتگان، موجودات آسمانی و مخلوقات زمینی هر کدام در جایگاه مناسب خود قرار می‌گرفتند. جایگاه انسان، نقش و وظایف او در این نظم مشخص شده و روی‌گردانی از آن تقریباً غیر ممکن بود. با به عرصه آمدن آزادی مدرن، چنین نظام‌هایی بی‌اعتبار گردید (تیلور، ۱۳۸۵: ۸۵). زنان این رمان نیز با بی‌اعتنایی به دستورات مذهبی و سنتی، با تکیه بر آزادی‌های ناشی از رواج مدرنیته، تن‌فروشی را به عنوان شغل برگزیده‌اند. اما با وجود اینکه قوانین مذهبی جامعه را به طور کامل نادیده گرفته‌اند، همچنان خدا به عنوان نیروی مافوق انسان و سلسله‌مراتب تقدس که در مذهب بر آن تأکید شده است، در ذهن برخی از آنان حضور دارد. اعتقاد به خدا، پیامبر و امامان هرچند آنها را از خطا باز نداشته است، به عنوان شاخص راستی و درستی در ذهن برخی از آنان حضور دارد (هاشمی، ۱۳۴۸: ۳۱۹).

ناراحت شدن زری (در «سووشون») از اینکه در مرگ یوسف به آنها اجازه داده نمی‌شود که طواف، نماز میت و دیگر مراسم مذهبی برگزار شود، نشان می‌دهد که زری هرچند به برخی دستورات دینی از جمله حجاب عمل نمی‌کند، این به معنی بی‌اعتقادی کامل نسبت به مسائل مذهبی و مرکزیت خداوند در نظام هستی نیست.

حورا در «بعد از تابستان» غزاله علیزاده، دختری از خانواده‌ای اشرافی و برخوردار از مظاهر مدرنیته است. این برخورداری موجب می‌شود که شیوهٔ رفتاری او با زنان سنتی متفاوت باشد. برای مثال او بدون حجاب اسلامی در اجتماعات حاضر می‌شود و یا در مهمانی‌ها به شیوهٔ اروپاییان به رقص می‌پردازد (علیزاده، ۱۳۹۶: ۲۶۱). با وجود این نمی‌توان گفت که تمامی تعلقات و اعتقادات مذهبی در او از بین رفته است. مادر او هر ماه در خانه روضه برگزار می‌کند و حورا در مهمانی از دوستانش دعوت می‌کند تا در این جلسه شرکت کنند (همان: ۲۳۵). این اهمیت دادن به برگزاری مراسم مذهبی حاکی از احساس تعلق به ریشه‌های مذهبی است.

با تکیه بر بررسی انجام‌شده می‌توان گفت که در این دوره شاهد تعداد اندک زنانی هستیم که با تکیه بر عقل‌گرایی و با تفکر انتقادی به موضوعات ماورای طبیعی می‌نگرند.

این زنان از معدود افرادی هستند که فراتر از ظواهر مدرنیته به دنبال دستیابی به ذهنیت مدرن هستند.

د) تدبیرگرایی در مقابل تقدیرگرایی

در رمان این دوره، زنان سنتی همچون دوره‌های گذشته ترجیح می‌دهند که به جای اندیشیدن به چرایی موضوعات و تلاش برای ایجاد تغییر در شرایط موجود، دنباله‌رو سنت‌های پیشین باشند. مادر خالد در «همسایه‌ها»، مادر حوری، عم‌قزی و خانم افخمی در «سگ و زمستان بلند» و گلین خانم و کوکب خانم در «دل کور»، نمونه‌هایی از این زنان هستند. ترس از گناه و عقوبت، یکی از مهم‌ترین دلایل امتناع آنان از تغییر تفکر است.

در این دوره نیز نمی‌توان ادعا داشت که در ذهن زنان مدرن و یا نیمه‌مدرن، تقدیرگرایی سنتی، جای خود را به یکباره به تدبیرگرایی داده است. اما تأکید ویژه بر مفهوم تدبیرگرایی (به طور خاص در رمان «سووشون») نشان می‌دهد که مفهوم تقدیر و انفعال ناشی از آن، یکی از موضوعاتی است که نویسندگان منتقدانه به آن نگریسته‌اند. زری با مجموعه تعلیمی که از پدر (فردی روشن‌فکر و مخالف با سنت)، مدرسه آمریکایی (به عنوان مروج فرهنگ مدرن) و مادر (به عنوان حافظ و مروج تفکر مذهبی) آموخته است، شخصیتی بینابین سنت و مدرنیته یافته است. برای مثال زری برای آرام کردن همسرش، هنگامی که از مرگ ناگهانی چوپانش حرف می‌زند، ابتدا به علت‌های طبیعی اشاره می‌کند. اما در ادامه، ذهنیت تقدیرگرای او، مشیت و خواست خدا را دلیل وقوع این اتفاق می‌داند (دانشور، ۱۳۴۸: ۱۱۳). پس از تغییر و تحولات روحی، به‌ویژه بعد از واقعه مرگ یوسف، تقدیرگرایی زری به تدبیرگرایی مبدل می‌شود. داستان نمادینی که مک‌ماهون برای او می‌خواند، اشاره به همین موضوع دارد. در این قصه، ارباب آسمان دستور می‌دهد که فرشته‌ها، ستاره هر کس را به خودش بدهند و بگویند که از این به بعد سرنوشت به دست خود توست (همان: ۲۲۹).

نکته دیگر اینکه بعد از گذشت چندین دهه از ورود اندیشه مدرنیسم به ایران، زنان و دختران بسیاری وجود دارند که خودشان را مسئول آینده و سرنوشت خود نمی‌دانند. مهم‌ترین موضوعی که دختران با تکیه بر تفکر سنتی تقدیرگرا، درباره آن سکوت

می‌کنند و تصمیم نهایی را برعهده پدر، مادر یا برادر (و در حقیقت قدرت برتر در خانه) می‌گذارند، ازدواج و تصمیم برای انتخاب همسر است. این مسئله حتی در بین دختران تحصیل کرده و ظاهراً مدرن نیز دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

پیوند میان واقعیت‌های اجتماعی و واقعیت‌های ادبی، مهم‌ترین موضوع در جامعه‌شناسی ادبیات است. بررسی بازتاب واقعیت‌های اجتماعی در آیینۀ آثار ادبی، از جمله روش‌هایی است که به درک بهتر و نزدیک‌تر واقعیت‌های اجتماعی کمک خواهد کرد. تحولات ناشی از ورود مدرنیته به ایران، رواج تفکر انسان‌گرایی مدرن و همچنین تأثیر این تحولات بر ذهنیت زن ایرانی، یکی از واقعیت‌های اجتماعی است که با بررسی رمان فارسی و شخصیت‌های زن داستانی می‌توان به چگونگی تأثیر این تحول پی برد. بررسی رمان‌های منتخب فارسی در سه بازۀ زمانی ۱۳۰۰ ه.ش تا ۱۳۲۰ ه.ش، ۱۳۲۰ ه.ش تا ۱۳۴۵ ه.ش و ۱۳۴۵ ه.ش تا ۱۳۵۷ ه.ش نشان داد که در دورۀ اول، رواج بیش از پیش روسپی‌گری زنان به عنوان یکی از نتایج ورود مدرنیته معرفی می‌شود؛ اما تحول ناشی از رواج لذت‌گرایی مدرن نتوانسته است به طور کلی ذهن زنان را از تفکرات وابسته به سنت رها کند. نهادهای قانون‌گذار سنت همچنان مورد تأیید اغلب زنان است. مفاهیم ماورای طبیعی و اعتقادات مذهبی در بین زنان سنتی با خرافات و تصورات نادرست آمیخته است. زنان آشنا با مدرنیته نیز هرچند کمتر به موضوعات اعتقادی می‌پردازند، در نمونه‌های نادر با رویکرد انتقادی و یا مخالف به این موضوع می‌پردازند. تقدیرگرایی در بین تمام زنان سنتی رواج دارد. زنان آشنا با مدرنیته نیز هرچند به برخی نابرابری‌ها اعتراض دارند، به تدبیر و چاره‌اندیشی نمی‌پردازند.

در بازۀ زمانی دوم، نویسندگان با رویکردهای متفاوت و نگاه‌های جزئی‌گرایانه بیشتر به کار نوشتن پرداخته‌اند. رواج بیش از پیش مؤلفه‌های مدرنیته، میدانی گسترده‌تر از علایق و خواست‌های انسانی را برای زنان مهیا کرده است. قوانین سنتی همچون حجاب، ارتباط محدود زنان با دنیای خارج از خانه و الزام پیروی زن از مرد را گروه بیشتری از زنان نقض

می‌کنند. گروه محدودی از زنان با آشنایی با اندیشه‌های فمینیستی به قوانین سنتی رایج درباره زنان می‌تازند. این زنان هرچند همسو با انسان‌گرایی به تدبیرگرایی متمایل‌اند، نمی‌توان ادعا کرد که ریشه‌های تقدیرگرایی در اندیشه آنان کاملاً از بین رفته است. در دوره سوم با جهشی افراطی در پیروی از خواسته‌های انسانی و غریزی در بین برخی از زنان نماینده تفکر مدرن مواجه هستیم. ستیز با قوانین جامعه سنتی و مقاومت در برابر نمایندگان سنت، جدال و کشمکش‌هایی را ایجاد می‌کند، اما ساختار قدرتمند سنت، اغلب پیروز این جدال است. تأکید بر مفهوم تدبیرگرایی نشان می‌دهد که مفهوم تقدیر و انفعال ناشی از آن، یکی از موضوعاتی است که نویسندگان منتقدانه به آن نگرسته‌اند.



منابع

- آلبرتینی، ژان مری (۱۳۵۲) مکانیسم‌های از رشد ماندگی، ترجمه ابوالحسن بنی‌صدر، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- احمدی، بابک (۱۳۷۳) مدرنیته و اندیشه انتقادی، تهران، مرکز.
- (۱۳۸۷) معمای مدرنیته، چاپ پنجم، تهران، مرکز.
- اسلامی، محمدعلی (۱۳۴۶) افسانه و افسون، تهران، جوانه.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵) «ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم در دوره پهلوی»، نقد و نظر، دوره دوم شماره ۷-۸، صص ۷۴-۸۵.
- به‌آذین، محمود (۱۳۴۲) دختر رعیت، تهران، نیل.
- بهبهانی، مرضیه؛ سیاوش خاکپور و مصطفی گرجی (۱۳۹۲) «بررسی و تحلیل انتقادی گفتمان رمان سگ و زمستان بلند»، مطالعات داستانی، سال اول، شماره ۴، صص ۵-۲۲.
- پارسی‌پور، شهرنوش (۱۳۸۷) سگ و زمستان بلند، چاپ سوم، لس‌آنجلس، تصویر؛ سن‌خوزه، زمانه.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا (۱۳۹۷) زن ایرانی در گذار سنت به مدرن، تهران، نیلوفر.
- تیلور، چارلز (۱۳۸۵) «سه ملالت مدرنیته»، ترجمه حیدر شادی، فصلنامه علامه، شماره ۱۲، صص ۸۱-۹۲.
- جلیلی، جهانگیر (۱۳۱۲) من هم گریه کرده‌ام، تهران، مطبوعه حسین باقرزاده.
- چوبک، صادق (۱۳۴۵) سنگ صبور، تهران، جاویدان.
- حاجی‌حیدری، حامد (۱۳۸۸) آنتونی گیدنز؛ مدرنیت، زمان، فضا، تهران، اختران.
- حجازی، محمد (۱۳۰۷) هما، تهران، ابن‌سینا.
- (۱۳۴۰) زیبا، تهران، ابن‌سینا.
- حسینی اسحاق‌آبادی، فاطمه (۱۳۹۰) «سنت و مدرنیته در رمان‌های احمد محمود»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مه‌بود فاضلی، دانشکده ادبیات زبان‌های خارجی و تاریخ، دانشگاه الزهراء.
- خلیلی، عباس (۱۳۰۳) روزگار سیاه، تهران، اقدام.
- دانشور، سیمین (۱۳۴۸) سووشون، تهران، خوارزمی.
- دوران، احمد (۱۳۷۸) «نگاه گیدنز به مدرنیته»، کتاب ماه علوم اجتماعی، (۲۲)، صص ۳-۷.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۰۵) شهرناز، تهران، مجلس.
- صانع‌پور، مریم (۱۳۸۹) «انسان‌گرایی مدرنیته و مبانی اسطوره‌ای آن»، نشریه غرب‌شناسی بنیادی، شماره ۱، صص ۸۷-۱۱۶.

- صفری، جهانگیر و دیگران (۱۳۹۶) «مدرنیته و ساختار سنتی خانواده با تکیه بر رمان شوهر آهو خانم»، نشریه زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی)، سال بیست و پنجم، شماره ۸۲، صص ۲۱۷-۲۴۰.
- علوی، بزرگ (۱۳۳۱) چشمه‌هایش، تهران، جاویدان.
- علیزاده، غزاله (۱۳۹۶) دو منظره و داستان‌های دیگر، چاپ چهارم، تهران، توس.
- فرخجسته، هوشنگ (۱۳۷۱) «ویژگی‌های جوامع سنتی و جوامع صنعتی»، کتاب توسعه، شماره ۳، صص ۱۴۳-۱۵۸.
- فرسی، بهمن (۱۳۵۳) شب یک شب دو، تهران، سازمان چاپ و پخش پنجاه و یک.
- فصیح، اسماعیل (۱۳۶۹) دل کور، تهران، نو.
- کاظمی، مشفق (۱۳۴۷) تهران مخوف، تهران، بامداد.
- گلی، احمد و دیگران (۱۳۸۹) «روایت گذر از سنت به مدرنیته در داستان «طعم گس خرمالو» زویا پیرزاد»، نشریه بهارستان سخن، سال شانزدهم، شماره ۶، صص ۸۱-۹۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی.
- (۱۳۸۷) پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ چهارم، تهران، مرکز.
- (۱۳۸۸) مدرنیته زمان فضا، ترجمه حامد حاجی حیدری، تهران، اختران.
- (۱۳۹۵) جهان لغزنده است، جهانی شدن چگونه دنیای ما را شکل می‌دهد؟، ترجمه علی عطاران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- (۱۳۹۸) تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ یازدهم، تهران، نی.
- محمود، احمد (۱۳۵۳) همسایه‌ها، تهران، امیرکبیر.
- مسعود، محمد (۱۳۱۱) تفریحات شب، تهران، دانش.
- نیازی، محسن و الهام شفائی مقدم (۱۳۹۳) «بررسی عوامل مؤثر بر تقدیرگرایی زنان»، نشریه جامعه‌پژوهی فرهنگی، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۴۷.
- واترز، مالکوم (۱۳۸۱) مدرنیته، مفاهیم انتقادی جامعه سنتی، جامعه مدرن، ترجمه منصور انصاری، تهران، نقش جهان.
- هاشمی، زکریا (۱۳۴۸) طوطی، تهران، روزن.